

Criticism of Doubts Regarding the Processual Evolution of the Shiite School and the Superhuman Qualities of the Imams (A) with a New Inductive Approach

Mohsen Rafaat ^a, Amirhosein Rahbar ^b, Behnaz Mohammad Kazemi ^{c*}

^a Associate Professor, Department of Quran Sciences and Hadith, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran.

^b Assistant Professor, Department of Faculty of Management and Accounting, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

^c Master`s Graduate in Quran Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Farabi College, University of Tehran, Qom, Iran.

KEYWORDS

Condensation Theory,
Orientalists, Doubt,
Infallibility, Mahdism

Received: 12 November 2024;
Accepted: 02 March 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2045638.1064

ABSTRACT

The Shi'a Imami (Twelver Shi'ism) considers the Imams (A) and their leaders to possess supernatural and unique qualities, including infallibility and superhuman attributes. These beliefs are fundamental to the formation of the Twelver Shi'a sect. However, such beliefs have been subject to criticism, especially concerning the concepts of Mahdism and the origins of Twelver Shi'ism. These critiques often stem from a deductive reasoning that presumes any miraculous event is inherently dubious. This research aims to refute these criticisms through an inductive approach, providing a systematic compilation of well-documented miraculous occurrences attributed to the Imams. By examining historical texts, both Shi'a and non-Shi'a, the study seeks to demonstrate the plausibility of these supernatural attributes. The extraordinary concentration of miracles attributed to these twelve successive Imams challenges the conventional historical understanding of human capabilities. Moreover, the widespread and consistent reports of near-death experiences involving encounters with the Imams further corroborate these miraculous claims. The abundance of such extraordinary occurrences within this specific lineage poses a significant challenge to the notion that Shi'a beliefs about the Imams are the result of gradual theological development or are inherently irrational. Consequently, what Orientalists have presented as a critique of Shi'ism, when examined through an inductive-statistical lens, transforms into a compelling argument in its favor."

* Corresponding author.

E-mail address: behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

©Author



نقد شبهات تکامل فرایندی مکتب شیعه و صفات فوق بشری ائمه (ع) با رویکرد نوین استقرایی

محسن رفعت‌الف، امیرحسین رهبر^ب، بهناز محمدکاظمی^ع*

^{الف} دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران، mohsenrafaat@hmu.ac.ir

^ب استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، a.h.rahbar@basu.ac.ir

^ع دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران، behnaz.mkazemi@ut.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
نظریه چگالش، مستشرقان، شبهات، عصمت مهدویت	شیعه امامیه، ائمه (ع) و پیشوایان خود را دارای اوصاف و خصوصیات فراطبیعی و منحصر به فرد می‌داند که از جمله این خصوصیات، وجود عصمت و صفات فوق بشری در ائمه (ع) و خاستگاه پیدایش شیعه اثنی عشری است. اعتقاد به این باور، منجر به ایجاد شبهات و مناقشاتی علیه عقاید شیعیان امامی، خصوصاً در مباحث مرتبط با مهدویت و منشأ شکل‌گیری شیعه اثنی عشری گردیده است. چنین اشکالاتی زائیده رویکردی قیاسی است که در آن قاعده توهّم بودن هر نوع خرق عادت را می‌پذیرند و سپس بر همین مبنا شیعیان را با عقایدی خوارق عادت، توهّم و غیرواقف گرامی‌دانند. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به شبهات مربوط به صفات فوق بشری ائمه (ع) و منشأ شکل‌گیری شیعه اثنی عشری با روش کتابخانه‌ای و رویکردی استقرایی است. این پژوهش درصدد است تجارب متعددی از خوارق عادت اثبات شده و یقینی از ائمه (ع) را منسجم و رونمایی نموده و از این رهگذر امتناع بروز خوارق عادت در ایشان را مخدوش نماید. خصوصیات فراطبیعی ائمه (ع) در متون تاریخی غیر شیعیان، نشانگر فضایی انبوه برای این نسل دوازده‌گانه است که تواتر این حجم از فضایل در یک نسل دوازده‌گانه پی‌درپی با سنت تاریخی حاکم بر جوامع بشری سازگار نیست. همچنین تواتر تشرّف به محضر ائمه (ع) در تجارب نزدیک به مرگ اثبات‌شده گروه‌های متفاوت اجتماعی، سنی و جغرافیایی، خود نشانگر خرق عاداتی در این نسل دوازده‌گانه است. تراکم شگفتی‌ها در احوالات ثابت‌شده این نسل منحصر به فرد، چالشی جدی در مسیر مدعای تطوّر عقاید شیعیان ظرف صدها سال و وهم‌آلود بودن عقاید شیعی پیرامون خصوصیات اهل بیت است؛ بنابراین آنچه مستشرقان با رویکردی قیاسی به‌عنوان شبهه برای تشیع مطرح کرده‌اند پس از اتخاذ نگاه استقرایی-آماری به نقطه قوت بدل خواهد شد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

از جمله عقاید شیعه امامیه درباره ائمه (ع)، اعتقاد به فضایل منحصر به فرد ایشان همچون علم غیب، عصمت، قدرت تصرف در عالم و... است که از آن‌ها به‌عنوان صفات فوق بشری یاد می‌شود. باور به وجود صفات فوق بشری در ائمه (ع) دستاویز افرادی قرار گرفته که درصدد خدشه به اعتقادات شیعه امامی هستند. بدین ترتیب که عده‌ای از پژوهشگران معتقدند این صفات خارق‌العاده در ائمه (ع) وجود نداشته و شیعه امامی و عقاید آن طی فرایندی در طول تاریخ

شکل گرفته است. شمار فراوانی از شبهاتِ ناظر به تطور تاریخی عقاید شیعه، بیانگر عدم اصالت، سابقه و قدمت برای امامیه است؛ به طوری که مشروعیتی برای این فرقه قائل نبوده و خاستگاه اثنی عشری بودن شیعه و اعتقاد به مهدویت در مکتب امامیه را، زائیده قرن چهارم هجری می‌دانند. در عصر حاضر که تفکر شیعی مبنای تشکیل یک نظام سیاسی قرار گرفته و باورهای آن با دنیای غرب در تضاد است، هجمه این شبهات نیز بیشتر شده که بر اهمیت پاسخگویی به آن می‌افزاید. از این رو ضروری است که رویکرد نوینی را برای پاسخ‌دهی به آن‌ها به کار بست. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به برخی شبهات مطرح شده در ارتباط با منشأ و زمان شکل‌گیری تشیع و ساختگی نبودن مهدویت و عصمت ائمه (ع) با رویکرد استقرایی-آماري و روشی کتابخانه‌ای به صورت تحلیلی-انتقادی است.

۲. بیان مسئله

حسین نصر در مقدمه خود بر کتاب علامه طباطبایی با عنوان «شیعه در اسلام» عدم آگاهی خاورشناسان از شیعه را چنین بازگو می‌کند: تقریباً تمام منابع اروپاییان در تحقیقاتی که پیرامون اسلام انجام می‌گیرد از منابع اهل تسنن است و هرگاه از قرآن، حدیث، سیره نبوی، فقه و کلام سخن به میان آید، معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت و جماعت است و حتی این نظر نیز اغلب تحریف یافته و مغرضانه بیان شده است. مغرب زمین، هیچ‌گاه قبل از دوران جدید با عالم تشیع و مخصوصاً ایران شیعی، تماسی نداشت. آنان تشیع را اختراع عده‌ای از دشمنان اسلام در قرون بعدی می‌دانند، نگاهی به چند کتاب معروف که یا مربوط به شیعه است یا در آن اشاره‌ای به تشیع شده، جهت اثبات این ادعا کافی است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۴).

طبق دیدگاه برخی افراد، ائمه (ع) انسان‌هایی باتقوا و عادی بودند که وجود قدرت‌هایی همچون علم غیب، شفاعت، عصمت و... در ایشان بعید و اعتقاد به این قدرت‌ها برای آنان اغراق‌انگیز است. به باور این افراد، اصحاب ائمه (ع)، اهل بیت را انسان‌هایی فاقد اوصاف قدسی همچون عصمت-که اصطلاحاً به آن‌ها صفات فوق بشری گفته می‌شود- می‌دانسته‌اند؛ بنابراین قائل شدن به چنین صفاتی برای امامان نه‌تنها در اندیشه شیعیان نخستین جایگاهی نداشته است، بلکه بعدها توسط غالیان و مفوضه جعل گردیده و به ائمه (ع) نسبت داده شده آنگاه در قالب حدیث درآمد و به تدریج طرفدارانی یافته است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۷۰). شیعیان در حالی به این گرایش‌ها جلب شدند که تأکید اصحاب، تنها بر علمای ابرار بودن ائمه (ع) بوده است. طبق روایتی، ابن ابی‌یعفور که از نزدیک‌ترین اصحاب امام صادق (ع) است، اهل بیت را «علماء ابرار اتقیاء» می‌داند و در گفتگویی با «مُعَلّی بن حُنَیس»-که وی امامان را هم‌ردیف پیامبران می‌دانسته است-حضرت سخن ابن ابی‌یعفور را تأیید و نظر مُعَلّی را به شدت رد می‌کند (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹: ۵۱۵/۲). برخی اصحاب، ائمه (ع) را داناترین عالم دین در روزگار خویش دانسته ولی اطاعت از ایشان را واجب نمی‌شمردند؛ برخی دیگر، نسبت هرگونه امر غیرطبیعی همچون علم غیب به ائمه (ع) را نادرست می‌دانستند؛ ولی شیعه همواره مطیع ائمه (ع) بوده و ایشان را امام و رهبر اسلام می‌داند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۴۲). از این رو، گروهی معتقدند آثار منسوب به ائمه (ع) مرام‌نامه شیعیان غالی است و در نسخه‌های اولیه از اندیشه شیعی، اثری از این تفکرات وجود نداشته است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۸).

در تبیین برخی از این شبهات باید اظهار داشت که دیدگاه شیعه امامیه پیرامون مسئله امامت، در قرن نخست هجری

مطرح شد و در نیمه قرن دوم از سوی هشام بن حکم صورت تعریف شده‌ای به خود گرفت. به نظر می‌رسد تا حدود صدسال بعد، یعنی تا زمان رحلت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری این نظریه تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده است. در نیمه‌های قرن چهارم، عمده نکاتی از جمله اینکه دوازده امام وجود دارند که آخرین آن‌ها به نام «مهدی» یا «قائم» تا ظهور نهایی خود در غیبت است، به این نظریه افزون گشت (کلبگ، ۱۳۷۴: ۲۰۱). عدم وجود دیدگاه شیعه اثنی عشری در منابع پیش از قرن چهارم، بیانگر نوپدید بودن این فرقه است. به علاوه، پیشینه داشتن عدد دوازده و مسئله غیبت در تاریخ اسلام و تعصب مسلمانان نسبت به آن، همچون دوازده نقیب اسرائیلی در آیه ۱۲ سوره مائده، یا شمارش دوازده قبیله از بنی اسرائیل در کتاب مقدس و همچنین روایات مسیحیان درباره دوازده حواری حضرت عیسی (ع)، به یاری شیعیان آمد. مسئله غیبت می‌توانست به عنوان یک منجی نقطه تبلور آرزوهای شیعیانی باشد که در اقلیت بوده و با قرار گرفتن در شرایط فشار و ستمکاری عباسیان به مدتی طولانی، از به دست آوردن قدرت ناامید گشته‌اند. آنان به کمک چهار روش منابع خود را با اندیشه نوظهور اثنی عشریه همراه کرده‌اند که عبارتست از: (۱) استناد به آیات قرآن، (۲) استناد به احادیث شیعی، (۳) استناد به احادیث اهل سنت و (۴) استناد به کتاب مقدس و روایات یهودیان (کلبگ، ۱۳۷۴: ۲۰۱؛ نیز ر.ک: الویری، ۱۳۷۴: ۵۱-۸۶)؛ بنابراین شکل‌گیری شیعه اثنی عشری، متأثر از بحران رهبری سیاسی و مسائل اعتقادی درباره زمانی سده نخست تا چهارم است. در این برهه تحلیل بنیادی مکتب، مثلاً فلسفه احتیاج دائمی بشریت به امام ضروری بود و به تدریج مکتب تشیع با تحلیل‌های خاص خود به نام «شیعه دوازده امامی» تکامل یافت (دونالدسن، ۱۳۶۵: ۳۲۸ - ۳۲۹؛ گلدزیهر، ۱۳۵۷: ۴۶۶/۲ - ۴۶۷؛ رشید، ۱۴۳۴: ۲۷۱/۱؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۵۰۶/۲، Dammen: ۲۰۰۲).

عده‌ای معتقدند محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی نخستین کسی است که در آغاز دوره غیبت کبری به اهمیت بحث اثنی عشر توجه نمود. اساس توجه به این نکته در اواخر دوره غیبت صغری آغاز گشت و علی بن بابویه قمی در مقدمه کتاب «الإمامة والتبصرة» آن را ذکر کرده بود. برخی از روایاتی که ائمه (ع) را دوازده امام می‌دانند نیز در فصلی از کتاب کافی بیان شده که به تدریج بسیاری از این احادیث مبنای تألیف تک‌نگاری‌ها شدند. با جمع، تدوین و ترتیب این احادیث، جامعه شیعی دریافت که پیامبر (ص) و ائمه پس از ایشان، نه تنها تعداد دقیق امامان را پیش‌بینی کرده‌اند، بلکه نام آن‌ها را نیز برای اصحاب خاص خود بازگو نموده‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۶۰-۱۶۲). اطلاق عنوان «شیعه اثنی عشری» به برخی شیعیان، از قرن چهارم هجری توسط علمای شیعه وارد منابع شده و در منابع پیش از قرن چهارم به چشم نمی‌خورد. شیعیان در شرایط سخت، بر اساس پیشینه ذهنی خود و تعصب به عدد دوازده، این عنوان را مطرح کرده و اعتقاد به منجی و مهدویت را که سبب رسیدن آن‌ها به آمالشان بود، پی گرفته‌اند. عده‌ای از مستشرقان نیز همچون فان فلوتن، دارمستتر، گلدزیهر و مارگلیوث برای تحلیل مهدویت از روش تاریخی استفاده کرده و معتقدند این مسئله امری ساختگی و معلول شرایط سیاسی و اجتماعی یا سرخوردگی‌های فردی و اجتماعی است. انسان از این طریق معتقد به یک منجی آسمانی شده و با همین طریق به قیام اجتماعی برای التیام‌های روحی می‌رسد (موسوی گیلانی، ۱۳۸۵: ۳۶ و ۳۷).

مستشرقان همچنین معتقدند که «مهدویت» در قرآن ذکر نشده و روایات نبوی نیز دلالت روشنی بر این مسئله ندارند (دارمستتر، ۱۳۱۷: ۹)؛ بلکه اندیشه مهدوی‌گری ریشه در یهودیت، مسیحیت و ویژگی‌های زرتشتی سوشیانت داشته است، لکن از سوی دیگر معتقدند احادیثی به پیامبر (ص) نسبت داده شده که ویژگی‌های منجی آخرالزمان در آن

وجود دارد (گلدزیهر، ۱۳۵۷: ۲/۴۸۰) به باور مستشرقان، یکی از عقاید شیعه درباره ویژگی‌های حضرت مهدی آن است که به ایشان آسیب و جراحتی نمی‌رسد (گلدزیهر، ۲۰۱۳: ۲۰۶)؛ در حالی که چنین دیدگاهی مستند به کتاب «الطبقات ابن‌سعد» از محدثان اولیه اهل سنت است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۷۴/۵). از مهم‌ترین اشکالاتی که خاورشناسان به بحث مهدویت وارد نموده‌اند، عدم اصالت اسلامی آن است. تأکید به پیشینه یهودی یا مسیحی بودن اعتقاد به غیبت منجی و اصرار بر اقتباسی بودن این عقیده از دیگر ادیان، نقطه ثقل این‌گونه شبهات است. به عقیده برخی مستشرقان، نکته مشترکی که در آیین یهود، دیانت عیسوی و کیش زرتشت نیز یافت می‌شود، اعتقاد به یک وجود مافوق‌الطبیعه است (دارمستتر، ۱۳۱۷: ۱۱)؛ لذا اندیشه مهدویت حاصل سرخوردگی شیعیان طی چند صدسال گذشته توسط خلفای جور بوده و چون شیعیان در آن دوره قدرت کافی برای مقابله با ستمکاری‌ها را نداشتند، بر اساس آموزه‌های مسیحیت و یهودیت و زرتشت یک موجود اسطوره‌ای برای خود به نام «مهدی» ساختند که در آینده ظهور می‌کند.

آن‌چنان‌که ملاحظه می‌شود؛ شبهات تطور تاریخی شکل‌گیری عقاید شیعه، مهدویت و قدرت تصرفاتی همچون علم غیب و عصمت در اهل‌بیت، امری است که با سنت تاریخی بلندمدتی که همواره پیش روی بشر بوده سازگار نیست و نوعی خرق عادت محسوب می‌شود. در واقع همین موضوع سبب شده تا مستشرقان با رویکردی قیاسی، عقاید شیعه را با روال عادی دنیا ناسازگار یابند، حکم به اساطیری بودن برخی اندیشه‌های شیعی داده و گروهی از شیعیان نواندیش نیز منفعل شوند و تعبیر نمایند که این عقاید پیرایه‌هایی است که بعدها به شیعه افزوده شده و اصل اعتقاد شیعه نسبت به ائمه (ع)، همان علمای ابرار بودن آن‌هاست در مقابل این پژوهش با رویکردی استقرایی و مبتنی بر شواهد متنوع تلاش دارد که نشان دهد کثرت شواهد و تنوع گواهان بیانگر نوعی از تواتر در خصوصیات فراطبیعی نسل چهارده گانه است و این نه تنها نقطه ضعف نیست بلکه نقطه قوت است به این ترتیب نظریه‌ای نسبتاً جدید فراتر از اساطیر در علم کلام برآید.

۳. پیشینه

حاصل تلاش برخی پژوهشگران به منظور پاسخگویی و رفع شبهات مطرح‌شده تاکنون، در موارد ذیل قابل بررسی است: «حسین عبدالحمیدی» در کتاب «مستشرقان و پیامبر اعظم (ص)»؛ مقالاتی همچون «بررسی و نقد مبانی قرآنی، حدیثی و کلامی کتاب "مکتب در فرآیند تکامل" درباره علم غیب امامان (ع)» که با تکیه بر مبانی قرآنی به رفع چالش و خلأهای کتاب موردنظر پرداخته و مؤلفان، علم غیب ائمه (ع) را با مبانی مطرح‌شده سازگار دانسته‌اند (عبدالحمیدی و رحیمی، ۱۴۰۰: ۷۲۹-۷۵۲)؛ «آموزه‌های تشیع در منظومه فکری گلدزیهر» که مبانی فکری دیدگاه‌های گلدزیهر را مورد بررسی قرار داده، در نهایت چنین نتیجه می‌شود که تأثیرپذیری وی از منابع غیر شیعی بعید نیست (رحیمی، ۱۳۹۸: ۲۴۶-۲۳۱)؛ «از غلو تا تقصیر، تأملی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل» پژوهش دیگری است با این دیدگاه که در قسمتی از کتاب مکتب در فرآیند تکامل، نسبت به معرفی ائمه (ع) تقصیر صورت گرفته است و لذا با نقد روش شناختی این بخش از کتاب، اذعان می‌نماید که نویسنده به علت عدم برداشت صحیح از روایات و عدم جامع‌نگری به آن‌ها و همچنین وجود لغزش‌هایی در معانی روایات، دچار مغالطه شده است (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۷۳-۱۹۶)؛ «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرة المعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه» تحقیقی که به بررسی انتقادی مقاله «عصمت» در دایرة المعارف لایدن پرداخته است. در مقاله نامبرده -با استناد به عدم کاربست واژه عصمت برای پیامبران در قرآن و بلکه گزارش برخی

آیات از ارتکاب خطا توسط انبیاء-این باور ساخته تفکرات شیعی دانسته شده که بعدها علاوه بر امامان به پیامبران نیز تسری یافته است، لذا نویسندگان در پژوهش خود با ارائه ادله، عصمت را نه ابداع شیعه بلکه قرآن را خاستگاه بیان عصمت انبیاء دانسته اند؛ هر چند این واژه به معنای کلامی خود در قرآن به کار نرفته باشد (رضی بهابادی و جواندل، ۱۳۹۳: ۱۴۹-۱۸۰)؛ «نقد آراء خاورشناسان درباره عصمت پیامبر (ص)» که در این پژوهش لازمه گرایش مردم به پیامبر (ص) اعتماد و لازمه اعتماد، عصمت دانسته شده است، از این رو میرا بودن انبیاء از آلودگی، قبل و بعد از بعثت را ضروری می داند و از سویی دیگر نظرات خاورشناسان در خصوص عصمت پیامبر (ص) را نیز حاصل ناآگاهی و یا اطلاع ناقص از منابع مسلمانان و تاریخ نگاری آن ها معرفی می کند (رضایی هفتادار و بر خورداری و سروی، ۱۳۹۳: ۸۱-۱۰۰)؛ «نقد روش شناسی نظریه علمای ابرار با تأکید بر کتاب مکتب در فرآیند تکامل» ابتدا روش مؤلف کتاب مکتب در فرآیند تکامل در خصوص نظریه علمای ابرار بودن ائمه (ع) را به صورت دقیق تبیین نموده و سپس اشکالات آن روش ها را مطرح نموده است (قربانی مبین و خسروپناه، ۱۳۹۲: ۲۳-۴۲)؛ «گونه شناسی انتقادی دیدگاه ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع» که نویسنده با رجوع به روایات منابع روایی، به اثبات وجود شیعه اثنی عشری به عنوان اسلام ناب محمدی پرداخته و پیدایش آن در دوره های بعد را رد کرده است (الویری، ۱۳۹۱: ۷-۵۲)؛ «نقدی بر فرضیه تطور امامت شیعی» که به منظور نقد بخشی از فرضیات کتاب مکتب در فرآیند تکامل نگاشته شده و با استفاده از روایات امام صادق (ع) به بحث در خصوص ضرورت قیام مسلحانه ائمه (ع) و همچنین دوازده گانه بودن وجود ائمه (ع) پرداخته است (علاءالمحدثین، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۴۶)؛ «نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشری» که نگارنده با توضیح قیام های مهدوی در دوران ائمه پیشین و صراحت منقولات پیامبر (ص) مبنی بر جانشینان دوازده گانه به نقد و رد نظریه نوپدید بودن شیعه اثنی عشری در قرن سوم و چهارم پرداخته است (الویری، ۱۳۷۴: ۵۱-۸۶). همچنین پژوهش های دیگری نیز باهدف پاسخ دهی به برخی شبهات مستشرقان نگارش یافته است. توجه به این نکته حائز اهمیت است که تاکنون، هیچ یک از پاسخ های مطرح شده با رویکرد استقرایی آماری نبوده و لذا پژوهش حاضر با توجه به رویکرد نامبرده، در مقام پاسخ به این شبهات است.

۴. مبادی و ادبیات پژوهش

این بخش از پژوهش به بررسی و توضیح مفهوم و ماهیت «رویکرد استقرایی آماری» و «فلسفه اشراق و تجربیات نزدیک به مرگ» پرداخته است تا مقصود نگارنده از آن ها به عنوان دو مفهوم مبنایی و مؤثر در پاسخ به مسئله پژوهش تبیین گردد.

۴.۱. رویکرد استقرایی آماری در علم کلام

بسکر توسعه دهنده چارچوب معرفت شناسانه رئالیسم انتقادی، عقیده دارد که بررسی رخدادها موضوع فعالیت علمی نیست؛ بلکه بررسی مکانیزم هایی که تولیدکننده آن رخدادها هستند موضوع فعالیت علمی است. گاه ممکن است نتیجه فعالیت یک مکانیزم محقق نشود، یا به مشاهده پژوهشگر درنیاید که در علوم طبیعی و اجتماعی از راهبرد تصادفی سازی برای کنترل چنین اثرات مزاحمی استفاده می شود. در این وضعیت، پژوهشگر با تکرار آزمایش یا مشاهده، در شرایط زمینه ای گوناگون و محاسبه میانگین و انجام آزمون های فرض آماری تلاش می کند تا اثر مکانیزم های مزاحم را خنثی نماید. در فلسفه علم چنین تبیین هایی علمی بوده و به آن ها تبیین های استقرایی-آماری می گویند.

برای نمونه اگر فرض شود که پس از بررسی شاخص های اقتصادی بیست کشور، اقتصاددانی دریافته که در نوزده

مورد آن، کاهش نقدینگی سبب کاهش تورم شده و تنها در یک کشور کاهش نقدینگی به افزایش تورم منجر شده است، می‌تواند چنین نتیجه بگیرد که به احتمال بیش از نود درصد، کاهش نقدینگی باعث کاهش تورم می‌شود و احتمالاً در خصوص آن یک کشور که کاهش نقدینگی سبب افزایش تورم شده، مکانیزم مزاحمی وجود داشته که اجازه به فعلیت رسیدن مکانیزم اصلی را نداده است؛ مثلاً ممکن است آن یک کشور در شرایط تحریم قرار داشته باشد و یا مسئولان بانک مرکزی آن کشور در اثر غرض‌ورزی یا سهل‌انگاری، اطلاعات درستی را ارائه نکرده باشند (رفعت و رهبر، ۱۳۹۹: ۱۶).

همین فرآیند، پیرامون تحلیل‌های تاریخی نیز برقرار است. هنگامی که متکلمی قصد دارد با کاوش رفتار و گفتار بزرگان دین، پیرامون حقانیت آن آیین قضاوت کند، ممکن است با مکانیزم‌های مزاحمی مواجه شود؛ مثلاً ممکن است راویان بر اثر بی‌دقتی، وقایع را کامل نقل نکرده باشند و یا بر اثر انگیزه‌های سوء، در متن احادیث و سلسله اسناد آن دست برده باشند و فراتر از آن، ممکن است رفتار حاکمان ستمگر باعث شده باشد که امامان بر اثر تقيه، مبادرت به رفتار و گفتاری متفاوت از شرایط عادی نمایند. در حقیقت وقایع تاریخی مزبور، چند صدسال پیش در یک سیستم باز رخ داده‌اند و برای پژوهشگر در زمان حاضر امکان ندارد که آن تجربیات را در شرایط آزمایشگاهی بازآفرینی کند؛ اما با توجه به اینکه سنت چهارده پیشوای شیعه در طول ۲۵۰ سال به صورت قابل اطمینانی ثبت شده و در دسترس ماست، می‌توان تکرار برخی فضایل و خصوصیات ویژه در یک نسل چهارده‌گانه بلافصل رامصداق تکرار مشاهده در نظر گرفت و سپس یک تبیین استقرایی-آماری از آن ارائه نمود. مفهوم «چگالش» در پژوهش حاضر، به معنای تجمع بسیاری از فضایل در چهارده نسل پیاپی است که با یاری تئوری احتمال و آمار، بنیان جدیدی را در اثبات حقانیت اسلام به نمایش می‌گذارد.

نتایج این شیوه نوین استنتاج، اطمینان بخش قلوب است و طبیعتاً مسئولیت بیشتری نیز برای مخاطبان خلق می‌کند. بنا بر آیات ۱۱۱ تا ۱۱۵ سوره مائده، «حواریون» به مسیح (ع) گفتند: «آیا پروردگار تو می‌تواند غذایی از آسمان برای ما بفرستد؟». مسیح (ع) که از شک و تردید یارانش نگران شده بود به آن‌ها هشدار داد که: «از خدا بترسید اگر ایمان دارید!»؛ اما آن‌ها گفتند: «می‌خواهیم از این مائده بخوریم و قلب ما اطمینان پیدا کند و بدانیم آنچه به ما گفته‌ای راست بوده و بتوانیم بر آن گواهی دهیم». آری آن‌ها هدفشان از این تقاضا دشمنی و لجاجت با پیامبرشان نبود، بلکه به دنبال زدودن باقیمانده تردیدها و وسوسه‌های اعماق قلبشان بودند. خداوند فرمود: من چنین مائده‌ای را بر شما نازل می‌کنم، ولی توجه داشته باشید، بعد از نزول این مائده، مسئولیت شما بسیار سنگین‌تر می‌شود و با مشاهده چنین معجزه آشکاری هرکس بعد از آن، راه کفر را بیوید او را چنان مجازاتی خواهیم کرد که احدی از جهانیان را چنین مجازاتی نکرده باشم (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۵۳/۲ و ۱۶۲/۵).

۲.۴. تجارب نزدیک به مرگ و فلسفه اشراق

در سال‌های اخیر توجه دانشمندان به بررسی پدیده‌ای به نام تجربه نزدیک به مرگ (NDE) جلب شده است. تجربه نزدیک به مرگ یعنی خروج روح از جسم و کالبد مادی انسان و سیر روح در عالم معنی. در اثر این تجربه ارتباط روح با بدن مادی انسان سست شده و در نتیجه روح به سبب آزادی از قالب تن، به مشاهداتی دست می‌یازد که پیش از آن برایش میسر نبوده است (مودی، ۱۳۷۳: ۹۲-۹۳ و ۱۸۱-۱۸۳). جفری لانگ تجربه نزدیک به مرگ را رویدادی می‌داند که برای افراد در حال مرگ که به لحاظ بالینی مرده‌اند، رخ می‌دهد (Lang, 2010: 25). این تجربه پدیده‌ای است که در

رشته‌های روان‌شناسی، روان‌پزشکی، فراروان‌شناسی و پزشکی بیمارستان، معمولاً پس از آن که مرگ فردی از لحاظ بالینی قطعی شده یا دارای علائم حیاتی ناپایدار و به حالت مرگ نزدیک است، بررسی می‌شود. البته باید توجه داشت که تجربه نزدیک به مرگ را نباید با تجربه خروج روح از بدن یکسان دانست. تجربه نزدیک به مرگ اعم از تجربه خروج از بدن است. شرایط بالینی که منجر به تجربه نزدیک به مرگ می‌شود، شامل ایست قلبی، شوک، عوارض پیش از جراحی، کما، خون‌ریزی مغزی، برق‌گرفتگی، خودکشی ناموفق، افسردگی شدید، حبس تنفس و... است؛ به طوری که غالباً موارد تجربه نزدیک به مرگ پس از یک اتفاق بسیار سخت رخ می‌دهد (Mobs، ۲۰۱۲: ۴۴۶). مودی تجربه‌های نزدیک به مرگ را شبیه به مشاهدات عرفانی و مذهبی دانسته است (Moody، ۱۹۷۸: ۱۳۵). از دیدگاه ادیان الهی، ارائه دلایل تجربی حیات پس از مرگ نشانگر تلاش انسان برای تبیین پدیده‌های غیرمادی است؛ چراکه موضوع حیات پس از مرگ از جمله مسائل مافوق طبیعی است (ساعی و قاسمیان‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷-۲۴). فیروزی و همکاران (۱۴۰۱) به نقل از برخی منابع معتبر غربی تعدادی از عناصر مشترک در تجربه‌های نزدیک به مرگ که هریک در موارد متعددی مشاهده شده‌اند را شناسایی و دسته‌بندی کردند و این خود نشان می‌دهد که این مسئله به الگوهای تکرارپذیری منتج شده که شایسته بررسی علمی و فلسفی است و سپس نشان دادند از بین نظرات علمی و فلسفی گوناگون، مکتب اشراق به نحو رضایت‌بخشی می‌تواند این عناصر مشترک را تبیین کند. گویا تجربه نزدیک به مرگ، پدیده‌ای است که از طریق نظریه عالم مثال سهروردی، قابل تبیین است و چنین به نظر می‌رسد که روح تجربه‌گر در هنگام تجربه نزدیک به مرگ در آنجایی که سهروردی عالم اشباح مجرد می‌نامد، سیر می‌کند (ر.ک: فیروزی، آژیر، بختیاری، ۱۴۰۱: ۲۶۷-۲۹۲).

فلسفه اشراق نوعی نظام فلسفی مبتنی بر کشف و شهود است که سهروردی بنیان‌گذار آن بوده است. سهروردی بر این عقیده بود که استدلال را باید بر پایه کشف و شهود استوار ساخت و حکیم به کسی اطلاق می‌شود که قادر به جداسازی روح از بدن خویش باشد. سهروردی در فلسفه اشراق به مسئله عقل و شهود توجه خاصی نموده است. در نظام فلسفی شیخ اشراق، عقل و شهود نه تنها دو ابزار معرفتی، بلکه دو روش رساننده به عالم نیز هستند؛ به همین سبب افزون بر عقل می‌توان از شهود نیز برای رسیدن به واقع در نظام فلسفه اشراق بهره‌مند شد (ر.ک: ملکی، ۱۴۰۱: ۲۹-۵۵). به عقیده سهروردی، «حکمت بحثی، به تنهایی توانایی و ظرفیت آن را ندارد که انسان سالک را آن طور که شایسته است به مقصود برساند، به همین جهت باید به دنبال سیاق دیگری بود که غیر از سیاق و روش مشائون باشد» (سهروردی، ۱۳۹۳: ۲۷۶/۱). بر همین اساس، وی در کنار عقل، شهود را نیز به فلسفه اسلامی وارد کرد. او شهود را یکی از ارکان فلسفه اشراق دانسته و برای مستدل کردن مکاشفات، عقل را به یاری کشف و شهود فرامی‌خواند (سهروردی، ۱۳۸۰: ۳۶۱/۱). به بیان دیگر، در باور شیخ اشراق هیچ‌گونه ناسازگاری میان عقل و شهود وجود ندارد؛ از همین رو می‌توان فلسفه اشراق را چنین تعریف نمود: «دانشی است که عقل با نگاهی تحلیلی و شهودی، هستی و فراسوی آن را تفسیر می‌کند.» (ملکی، ۱۴۰۱: ۳۳). شهود در این فلسفه، معرفت و شناختی است که منزل آن دل انسان است و با تزکیه روح برای افراد پدیدمی‌آید (انصاری، ۱۳۸۳: ۷ و ۱۱۲)؛ بنابراین علی‌رغم اینکه برخی از تجربیات نزدیک به مرگ را نمی‌توان معتبر دانست، ولی بر اساس بعضی شواهد موجود در برخی دیگر از این تجربیات، وجود روح غیرمادی برای انسان و عدم محدودیت حیات وی به دنیا و وجود جهان پس از مرگ، قابل اثبات است (موسوی‌راد، ۱۴۰۱: ۴۹۸).

شهید مطهری از پیشگامان استناد به تجارب نزدیک به مرگ و مکاشفات مشابه برای اثبات نبوت است. او که به درستی دریافته بود بحث وجود عالم غیب و وحی از اصلی‌ترین گره‌های ذهنی جوانان تحصیل‌کرده در پذیرش نبوت است، با

استناد به شواهد متعدد و مستند از مکاشفات مشاهیر، سلسله مباحث مفصلی در جلسات بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان ارائه کرده است و به این ترتیب اصل عالم غیب و وجود مکاشفه را برای افراد عادی باورپذیر نموده و آنگاه وحی را به عنوان یک تجربه اتم و اکمل معرفی می کند. شرح این مباحثات در (مطهری، ۱۳۸۹) دسترس پذیر است. به این ترتیب می توان مطهری را از پیشگامان کلام اشراقی در عصر مدرن دانست.

۵. یافته‌ها؛ بحث و بررسی

مطالب مورد بحث در پاسخ به مسئله این پژوهش در دو گروه قابل طرح هستند: دسته نخست پاسخ به شبهات مربوط به تکامل فرایندی مکتب شیعه با توجه به چگالش فضایل در امامان شیعه و دسته دوم اثبات نوع دیگری از چگالش فضایل با تأکید بر شهود و بررسی شواهد مربوط به تجربیات نزدیک به مرگ افراد است.

۵.۱. چگالش فضایل ائمه (ع) و پاسخ به شبهات تطور تاریخی مکتب تشیع

در طول تاریخ انسان همواره استدلال‌های مختلفی را برای استوارسازی مدعاها و عقاید خویش به کار بسته است. گویا شیوه‌های استقرایی-آماری اکنون در این تحکیم عقاید دستاوردهای تازه‌ای را ارائه می دهد. ائمه (ع) در طول دو بیست و پنجاه سال زندگی مستمر، بنابر منابع معتبر و متعدد، از جهاتی همچون علم، پرهیزگاری، ایثار، دستگیری از ضعفا، فضایل اخلاقی، هماهنگ نشدن با حاکمان ظلم پیشه و... برترین مردمان عصر خویش بوده اند که این امر، حتی از نگاه افرادی که به امامت ایشان عقیده‌ای نداشته‌اند نیز تحسین برانگیز است. آن چنان که رفعت و رهبر (۱۴۰۰) استدلال کرده‌اند؛ در طول ادوار مختلف همواره انسان‌های صاحب فضیلت وجود داشته‌اند که فرزندان و گاه نوه‌های آنان نیز دارای همان فضایل بوده‌اند ولی در تاریخ نمونه‌ای وجود ندارد که بیانگر این استمرار در طول یک نسل چهارده گانه باشد. وجود چنین فضیلتی در این نسل چهارده گانه در حالی است که آنان از سوی حاکمان هم عصر خود همواره تحت فشار بوده‌اند و انگیزه و منفعت دنیوی خاصی برای امام جدید که ادامه دهنده راه امام پیشین خود باشد، قابل تصور نیست. از جانب دیگر، قرآن به عنوان مشهورترین کتاب قابل تقدیر به زبان عربی، توسط انسانی درس ناخوانده از همین نسل به جهانیان عرضه شده است. ظرافت‌های ادبی و علمی قرآن به قدری است که ادیبان غیرمسلمان و مستشرقان با انصاف نیز آن را مدح نموده‌اند نظریه چگالش مبتنی بر تجربه زیستی یک نسل بلافصل چهارده گانه‌ای است که دارای کمالات انسانی شگفت‌آوری در طول دو بیست و پنجاه سال است. چنین فضایی در این خاندان یکی پس از دیگری تکرار شده و در هیچ کدام از نسل‌های پادشاهی قبل، وجود این فضایل شگفت‌آور به صورت مکرر قابل مشاهده نیست (ر.ک: رفعت و رهبر، ۱۳۹۹).

برای پاسخ به شبهه تطور تاریخی شکل‌گیری عقاید شیعه مانند عصمت و وجود صفات فوق بشری در ائمه (ع)، توجه به استدلال استقرایی-آماری فوق راهگشاست زیرا تعداد دوازده گانه امامان در منابع اهل سنت نیز ذکر و فضایل آنان یکی پس از دیگری نقل شده است؛ لذا این امر بر ساخته عالمان شیعی نیست. عدد و اسامی ائمه در منابع اهل سنت بیان و هریک از آنان در خصائص پسندیده‌ای سرآمد شمرده شده‌اند (جاحظ، ۱۴۲۳: ۱۰۶). شبهه مربوط به تطور تاریخی شکل‌گیری عقاید شیعه، یعنی عقیده به مهدویت، معصومیت و صفات فوق بشری ائمه (ع) در طول یک بستر تاریخی

شکل گرفته و از ابتدا وجود نداشته؛ زمانی می توانست به ائمه شیعه وارد شود که اوصاف و فضایل آنان فقط در آثار عالمان شیعی ذکر شده و تنها تلاش شیعیان در این راستا باشد که آنان را در دوازده تن بگنجانند؛ در حالی که به استناد تاریخ، هرکدام از این دوازده و بلکه چهارده نفر، زندگی پرماجرایی همراه با مردمان عصر خویش داشته اند و در همین زندگی از جانب مردم و فضلالی هم عصر خویش به عنوان کانون علم، شجاعت، سخاوت، سخنوری و انواع فضایل معرفی شده اند و این روای نمی تواند ساختگی باشد (ر.ک: رفعت و رهبر، ۱۳۹۹: ۳۱).

عده دیگری گرچه معتقد نیستند که سلسله دویست و پنجاه ساله ساختگی است، اما معتقدند در حدود سال ۳۵۰ هجری قمری، به اهمیت دوازده گانه بودن ائمه (ع) پی برده شده و عالمان، بحث از شیعه اثنی عشری را از سده چهارم هجری مطرح نموده اند؛ ولی آنچه در پاسخ به این شبهه مورد توجه است، روایتی است در منابع معتبر از قول پیامبر (ص) با این مضمون که خلفای پس از من به عدد نقباء بنی اسرائیل (که در قرآن دوازده تن شمرده شده اند (سوره مائده/۱۲))، خواهد بود (ابن حنبل، ۱۳۶۸: ۳۹۸/۱ و ۴۰۶؛ تمیمی، بی تا: ۲۲۲/۹، طبرانی، بی تا: ۱۵۸/۱۰؛ نیشابوری، بی تا: ۵۰۱/۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۸۶/۱۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۹۰/۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۸۹/۶، ۳۳/۱۲). بسیاری از علمای اهل سنت در تفسیر این روایت درمانده اند (ابن کثیر، ۱۴۲۲: ۱۷۷/۱؛ ۲۷۹/۶ و ۲۸۰)؛ به علاوه روایات بسیاری در منابع اهل سنت یافت می شود که اهل بیت (ع) را همانند سفینه نوح معرفی نموده که راکبان آن اهل نجات اند (طبرانی، بی تا: ۴۵/۳ و ۴۶؛ ۲۷/۱۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۱۰/۴؛ ۳۵۵/۵؛ ۸۵/۶؛ نیشابوری، بی تا: ۳۴۳/۲؛ ۱۵۱/۳؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۶۸/۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۹۴/۱۲ و ۹۵ و ۹۸) و همچنین آیات متعددی نیز در فضل و مقام اهل بیت تفسیر شده اند (حکیم، بی تا: ۶۶-۶۴؛ وحید خراسانی، بی تا: ۱۹۷/۱-۲۰۰؛ مغنیه، ۱۳۹۹: ۴۳۱-۴۳۳؛ مرتضی عاملی، ۱۴۱۵: ۲۱۰-۲۱۲/۱ و ۲۵۷-۲۵۸؛ همان، ۱۴۲۲: ۱۰۳/۳-۱۱۰؛ حسینی میلانی، ۱۴۱۸: ۳۲۴-۳۲۳/۱؛ منتظری، ۱۳۸۰: ۱۳۱). با این وصف، این طرح کلان دویست و پنجاه ساله چنان عظیم است که نمی تواند حاصل دستکاری برخی بزرگان شیعه در تاریخ باشد.

برخی افراد هنگام ناامیدی از بهبود شرایط خویش و حل مشکلات از طرق عادی، به خرافه پردازی روی می آورند، ولی این شیوه در بحث مهدویت قابل سرایت نیست؛ چراکه از سده های نخستین تا سوم هجری افراد متعددی با ادعای مهدویت، علم مخالفت با حکومت های مرکزی را برافراشتند؛ خصوصاً در زمان صادقین (ع) که با ضعف حکومت های مرکزی مقارن است (برای نمونه ر.ک: مسعودی، بی تا: ۲۹۲؛ فاروق، ۱۳۵۵: ۲۱۰؛ قلقشندی، بی تا: ۲۲/۱؛ اصفهانی، بی تا: ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۶۲ و ۱۶۵ و ۱۶۷؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۶۵-۱۶۶). پس از دوران صادقین (ع) نیز بارها انقلاب هایی بانام مهدویت صورت گرفت، تا آنجا که یکی از خلفای عباسی با سوء استفاده از احادیث وارد شده در این زمینه، نام فرزند خود را مهدی نهاد (مسعودی، بی تا: ۲۹۲؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: فقهی زاده و صادقی: ۱۳۵-۱۶۴). با توجه به اینکه چنین فردی خلیفه مسلمانان بوده، هیچ سرخوردگی برای او متصور نیست تا چنین استدلال شوکه روی به خرافه پردازی آورده است! خاورشناسان نیز از آنجا که اسلام و مباحث مربوطه را از دریچه منابع اهل سنت بررسی کرده اند دچار خطاهای تاریخی این چنینی شده اند. بدین ترتیب روشن خواهد شد که در بنیان و اساس مهدویت، تردیدی میان پیروان اسلام نیست و این امر نیز نمی تواند ساخته شیعیان و علمای آنان باشد. از سوی دیگر، پیامبر اکرم (ص) همواره از صدر اسلام به مسئله ظهور حضرت مهدی (عج) و اصلاح امور امت خود به دست وی تأکید داشته اند که بادر نظر داشتن قیام های متعددی که با عنوان مهدویت از سوی فرق گوناگون در طول سالیان حیات ائمه (ع) شکل گرفته

است، نتیجه چنین خواهد شد که خود این انتساب به مهدی بیانگر این نکته است که نام مهدی و ظهور وی به قطع در کلام رسول خدا (ص) آمده بود. نکته جالب اینکه در طول این دو بیست و پنجاه سال بعضاً افرادی به ائمه (ع) مراجعه می‌کردند و آن‌ها را مهدی خطاب می‌کردند و امام (ع) این ادعا را رد و تحقق قیام مهدی موعود را در زمان‌های آینده دانسته‌اند (اصفهانی، بی‌تا: ۱۸۶؛ کشی، ۱۴۰۹: ۳۲۱؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲/۲۱۳؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۶۸؛ مطهری، ۱۳۹۸: ۱۳). در نهایت آن هنگام که وعده ائمه (ع) محقق گشت، امام دوازدهم طبق آنچه در کلام رسول خدا (ص) نیز پیش‌بینی شده بود، مطابق با عدد نقبای بنی اسرائیل از انظار غایب و روندی که در دوازده نسل پیایی وجود داشت ناگهان متوقف شد. بدیهی است پیامبر (ص) نمی‌توانسته به‌گونه‌ای تدبیر کند که چنین پدیده‌ای به ناگاه در نسل دوازدهمش واقع شود، پس می‌توان نتیجه گرفت همانطور که قرآن معجزه است این نحوه چینش با خصوصیات خاص خود نیز نوعی اعجاز محسوب می‌شود؛ چراکه هیچ‌کس نمی‌تواند برای چندین نسل پس از خود چنین پیش‌بینی‌هایی داشته‌باشد.

در ارتباط با مسئله وجود صفات فوق بشری در ائمه (ع) نیز اشکالاتی بر شبهه مطرح شده، رویکردها و دیدگاه‌های ناظر بر آن وارد است که در پژوهش‌های پیشین بررسی شده، ولی مهم‌ترین اشکال وارده این است که قائلان به شبهه، میان مافوق بشر و بشر مافوق خلط نموده‌اند. به باور این افراد، نمی‌توان صفات فوق بشری برای ائمه (ع) قائل شد؛ از این رو اقدام محدثان شیعی که در سده‌های سوم و چهارم چنین صفاتی را برای معصومان بر شمرده‌اند، ناشی از احساس ضعف ایشان بوده و در عالم خارج امکان بروز چنین صفاتی فراهم نیست. در حالی که چنین مسائلی به کرات از ناحیه مرتاضان هندی و سایر افراد اهل ریاضت ظهور و بر وز کرده و می‌کند و امتناعی ندارد (جاحظ، ۱۴۲۳: ۱۰۶؛ دستغیب، ۱۳۶۲: ۱-۳۲۴؛ سهیلی، ۱۳۹۴: ۱-۲۶۴؛ علوی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۵۰). ائمه (ع) در طول حیات خود، سرآمد مردمان عصر خویش بوده و هستند اما هیچ‌گاه اظهارات غلوآمیز درباره مقام خود را بر نتافته و غالیان را به شدت از خویش رانده‌اند (کشی، ۱۴۰۹: ۲۶۷ و ۳۶۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۴/۵). این خصوصیت در تمام ائمه (ع) مشترک است (ر.ک: رجیبی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۴: سراسر اثر)؛ بنابراین با توجه به نکات ذکر شده و گواهی تاریخی در موارد متعدد، امکان وجود صفات فوق بشری در ائمه (ع) نه تنها محال نیست؛ بلکه قابل اثبات است. بعلاوه، وقتی چگالش اعجازگونه فضایل - که در طول تاریخ در هیچ نسلی چنین سلسله‌وار تکرار نشده است - در این نسل پذیرفته شود، وجود صفات فوق بشری دیگر برای ایشان نیز امتناع نخواهد داشت.

۲.۵. چگالش فضایل ائمه (ع) در تجربیات نزدیک به مرگ

با استفاده از رویکرد استقرایی آماری و با تکیه بر تفکرات شیخ اشراق، می‌توان نوعی چگالش دیگر را در خصوص فضایل ائمه (ع) به اثبات رساند؛ برخی از تجربه‌های شخصی نزدیک به مرگ در نگاشته‌های دوران باستان نیز بر جای مانده است (Holden، ۲۰۰۹: ۱۶-۱) اما پیشرفت‌های پزشکی در احیاء و هوش‌آوری، سبب شد تا شمار افرادی که لحظات پایانی عمر خود را سپری می‌کنند و از آستانه مرگ باز می‌گردند، از گذشته خیلی بیشتر شود (ایروین، ۱۳۸۹: ۲۳۲؛ ر.ک: شانظری و فرحناکیان، ۱۳۹۲: ۴۱۰-۴۴۹) از دیگر سو، امروزه افراد زیادی از سراسر دنیا تجربیات نزدیک به مرگ خود را به وسیله رسانه‌های نوین با دیگران به اشتراک می‌گذارند؛ اما در گذشته، رخدادهای مکاشفه در افراد، به جهت در اختیار نداشتن مدارک مثبت وقوع شهوداتشان، مخفی مانده و آشکار نمی‌شد (فیروزی، آژیر، بختیاری، ۱۴۰۱: ۲۶۸). بر اثر

قدرت‌های پیشرفته رسانه و فناوری اطلاعات تعداد زیادی از تجربه‌گران از قومیت و ملیت‌های مختلف با تنوع فرهنگی و سنین گوناگون شناسایی شده‌اند؛ بررسی حالات و وقایعی که این افراد ملاحظه کرده‌اند سبب دستیابی به اتفاقات مشابهی در تجربیات نزدیک به مرگ آنان می‌شود. همچنین مدارک پزشکی بسیاری از این افراد و شواهدی که دال بر اثبات بخش‌هایی از مدعای خویش دارند، امکان محاجه افراد تجربه‌گر در خصوص آنچه در فرآیند کشف و شهود خود بدان رسیدند را فراهم آورده است. چنین مواردی به کزات رخ داده که نشان از وجود فضایی روحانی محیط بر این جهان است (ر.ک: کثیری و فاریاب، ۱۴۰۱: ۵۹-۷۰).

وجود چگالش در شفادهی و دیگر امور خارق‌العاده‌ای که بشر هنوز باگذشت چهارده قرن از ائمه (ع) مشاهده می‌کند، سبب تعمیق باور و یقین شیعیان شده است. چنانکه حضرت رضا (ع) فرمودند: ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان و یقین یک درجه بالاتر از تقواست و در میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱/۲). ابراهیم (ع) باآنکه مؤمن به رستاخیز بود برای اطمینان قلبی بیشتر از خدا خواست چگونگی زنده شدن مردگان را به او بنماید، خداوند فرمود: چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آن‌ها را-پس از ذبح کردن- قطعه‌قطعه کن! - و درهم بیامیز! - سپس بر هر کوهی قسمتی از آن را قرار بده! بعد آن‌ها را بخوان! به‌سرعت به‌سوی تو می‌آیند؛ و بدان خداوند توانا و حکیم است (بقره، ۲۶۰). ابراهیم آزمایشی که به آن امر شده بود را انجام داد و نتیجه موعود ظاهر شد و اطمینان قلبی یافت. نصوص اسلامی برای این یقین ثمرات و برکاتی برشمرده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به سخن حضرت علی (ع) اشاره نمود که فرمودند: اخلاص میوه و ثمره یقین است (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶: ۲۳). لذا ارائه منظم و منقح نظریه چگالش فضایل و خوارق عادت در معصومان می‌تواند منتج به افزایش اخلاص بین مؤمنان شود.

از قضا در این مسئله نیز چگالشی دیگر از خوارق عادت ائمه (ع) مشاهده می‌شود که برای دیگر مشاهیر وجود ندارد. به‌عنوان مثال، موزون در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ حدود یکصد و سی مکاشفه نزدیک به مرگ از افراد با سنین، قومیت‌ها و شرایط مختلف را با دقت و با لحاظ نمودن شواهد و گواهان متعدد گردآوری کرده است که دست‌کم در ربع از آن‌ها، فرد به محضر اعضای نسل شکوهمند چهارده‌گانه تشریف یافته‌اند (موزون، ۱۳۹۸-۱۴۰۳). البته ممکن است پرسیده شود که در این بین تکلیف یک تجربه‌گر مثلاً از اهل کتاب چه می‌شود؟ خداوند متعال می‌فرماید: و روزی که ما در میان هر امتی از (رسولان) خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم و تو را (ای محمد) بر این امت گواه آریم (آن روز سخت را یاد کن و امت را متذکر ساز)، و ما بر تو این کتاب (قرآن) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد (نحل: ۸۹). به نظر می‌رسد در تشریفی که به محضر هر معصوم واقع می‌شود فاکتور آشنایی و مانوس بودن فرد یا بستگانش با ایشان مؤثر است؛ مثلاً یکی از افراد جدول یک به محضر حضرت حمزه سیدالشهدا (ع) مشرف شده بود، کسی بود که در زندگی پس از نوشیدن آب در کنار امام حسین (ع) بر حضرت حمزه نیز درود می‌فرستاد (موزون، تجربه‌طیب‌پیشداد، ۱۴۰۲/۱۲/۲۵). اینکه در یک کشور تشریف بیشتری نسبت به یکی از معصومان نسبت به سایر حضرات معصومین (ع) حاصل می‌شود وابسته به میزان شهرت و فراگیری توسل به آن حضرت در آن کشور است.

جدول زیر به خوبی تنوع خصوصیات جمعیت‌شناسی در افرادی که در تجربه نزدیک به مرگ تشریف به محضر ائمه اطهار (ع) حاصل کرده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول (۱): مشخصات تجربه‌گران نزدیک به مرگ حاضر در برنامه‌ی تلویزیونی (گردآوری از پژوهشگران)

ردیف	نام تجربه‌گر	شغل تجربه‌گر	شهر تجربه‌گر	سال تجربه	خاندان معصومان
۱	سیدامید متقی	کارمند شرکت	مشهد	۱۴۰۲	امام رضا (ع)
۲	هادی عباسی	مهندس مکانیک	اسفراین	۱۴۰۱	امام رضا (ع)
۳	طیب پیشداد	-	خرم‌آباد	۱۴۰۰	امام حسین (ع) و حضرت حمزه (ع)
۴	سعیداعمی	آشپز	کرمانشاه	۱۴۰۰	اهل بیت (ع)
۵	سیدحسین موسوی	راننده اینترنتی	قزوین	۱۴۰۰	امام رضا (ع)
۶	مریم قربان تنهایی	خانه‌دار	تهران	۱۴۰۰	امام رضا (ع)
۷	علیرضاغلامی	پخش مواد غذایی	مشهد	۱۴۰۰	حضرت رقیه (س)
۸	نرجس اربابی	دبیر	زاهدان	۱۴۰۰	حضرت عباس (ع)
۹	حسین صاحبی بزاز	مدیر شرکت	دزفول	۱۳۹۹	حضرت زهرا (س)
۱۰	حدیث ایرانمنش	راننده آژانس	مشهد	۱۳۹۹	امام رضا (ع)
۱۱	رعناعباداللهی	روانشناس	تنکابن	۱۳۹۹	امام حسین (ع)
۱۲	رحمان امیریوسفی	حسابرسی	اصفهان	۱۳۹۹	امام حسین (ع) و حضرت رقیه (س)
۱۳	باقر حسین‌زاده	-	اهواز	۱۳۹۸	حضرت زهرا (س)
۱۴	سیدهادی سجادی	-	قزوین	۱۳۹۷	حضرت رقیه (س)

۱۵	داوود سلیمانی	آزاد	اراک	۱۳۹۶	امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س)
۱۶	بهنام راعی	آزاد	ارومیه	۱۳۹۶	حضرت عباس (ع)
۱۷	ایمان عبدالمالکی	دانشجوی حسابداری	تهران	۱۳۹۵	امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع)
۱۸	علی گرجی پور	آزاد	بابل	۱۳۹۵	حضرت زهرا (س)
۱۹	سید محمد موسوی	آزاد	سمیرم	۱۳۹۵	حضرت زینب و رقیه (س) و عباس و امام حسین (ع)
۲۰	محمد زینلی	بازنشسته نیروی انتظامی	گلیایگان	۱۳۹۳	حضرت عباس و امام حسین (ع)
۲۱	حسین حاتمیان	طراحی چوب	همدان	۱۳۹۲	امام صادق (ع)
۲۲	زهرا قدیری فر	آزاد	قم	۱۳۹۲	حضرت زهرا (س)
۲۳	راحله خمسه	دانشجوی عمران	تهران	۱۳۹۰	حضرت زهرا و حضرت زینب (س)
۲۴	سید مجید غضنفری	آزاد	کرمانشاه	۱۳۸۸	حضرت زهرا (س) و امام کاظم (ع)
۲۵	حمید اسدی	-	خراسان جنوبی	۱۳۸۶	امام رضا (ع)
۲۶	حسن تحقیقی	دندانساز	مشهد	۱۳۸۶	پیامبر، امام حسین و حضرت عباس (ع)
۲۷	میثم عباسیان	کارمند مؤسسه حقوقی	کرج	۱۳۸۵	امام حسین و امام رضا و حضرت مهدی (ع)
۲۸	امیر گمرکی	کارمند بهداشت و درمان	قم	۱۳۸۵	امام حسین (ع)

۲۹	علی لعل یوسف	برشکاری لیزر	مشهد	۱۳۸۴	امام رضا(ع)
۳۰	محمدعلی درودی	-	مشهد	۱۳۸۳	امام حسین(ع)
۳۱	معصومه فیضیان	خانه دار	خرم آباد	۱۳۸۱	پیامبر(ص)، امام علی و امام حسین(ع)
۳۲	اکبر بابامرادی	حالت اشتغال بنیاد جانبازان	تهران	۱۳۷۸	امام حسین(ع)
۳۳	خدیجه مبینی	بازنشسته بهداشت و درمان	همدان	۱۳۷۸	امام حسین و امام رضا(ع) و پیامبر(ص)
۳۴	حسن کریمی	کارشناس صنایع غذایی کارخانه	مشهد	۱۳۷۶	امام رضا(ع)
۳۵	حسن ظریف	عطار	مشهد	۱۳۳۷	امام کاظم، امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س)
۳۶	اعظم فکریان آرانی	قالبیاف	کاشان	-	امام حسین و حضرت عباس(ع)
۳۷	دانیال قاسمعلی	آزاد	اصفهان	-	حضرت زهرا(س)
۳۸	رضامعظمی گودرزی	کارمند داروسازی	بروجرد	-	امام حسین(ع)
۳۹	محسن حسنونند	-	لرستان	-	امام حسین(ع)
۴۰	رضا ملکی	آزاد	رشت	۱۳۹۶	حضرت زهرا(س)
۴۱	معصومه شفیعی ابنوی	خانه دار	شیراز	۱۳۹۵	حضرت زهرا(س)
۴۲	محسن اسکندری	کارشناس ارشد مدیریت	مشهد	۱۳۸۰	حضرت زهرا(س)

هریک از این افراد در برنامه خود را به دقت و با ذکر محل زندگی و کار معرفی کرده‌اند و در طول برنامه با افراد متعددی از خانواده و کادر پزشکی بیمارستان مصاحبه می‌شود به نحوی که حدود سیصد نفر مختلف در تجارب فوق‌الذکر درگیر هستند. هرکدام از این افراد در محل کار و زندگی‌شان هویتی دارند و یقیناً خود را درگیر یک پروژه سفارشی و نمایشی در پرمخاطب‌ترین برنامه تلویزیونی که میلیون‌ها نفر بازدیدکننده دارد، نمی‌کنند زیرا طبیعتاً محاسبه می‌کنند که روایتگری و شهادت دروغ و ناسازگار با سبک زندگی‌شان باعث می‌شود که در جمع بستگان و آشنایان سرافکننده و شرمنده گردند. در بسیاری از موارد تجربه‌گر از شواهدی خارج از اتاق بستری و بلکه کیلومترها دورتر خبر داده است که به صورت طبیعی نمی‌توانسته از آن‌ها مطلع باشد و موجب شگفتی گواهانی شده که در تلویزیون به وقوع این مکاشفه شهادت داده‌اند. مشابه این گردآوری قبلاً توسط آستان قدس رضوی درباره تجارب موثق شفایافتگان رضوی انجام شده است و پس از بررسی پرونده پزشکی، ثبت دقیق تاریخ و زمان شفای آن‌ها و گواهی شاهدان عینی، تجربه شفای ایشان در کتابی معتبر گردآوری شده است. شهید دستغیب نیز قبلاً گردآوری مؤثری در این حوزه داشته‌اند (دستغیب، ۱۳۶۲: ۱-۳۲۴؛ سهیلی، ۱۳۹۴: ۱-۲۶۴). حتی در عهد عتیق هم شاهد شرح مواردی از چنین تجاربی هستیم؛ مثلاً یوسف فرزند یکی از دانشمندان بزرگ یهود به نام یهوشوع بن لوی، پس از مرگ دوباره زنده می‌شود و بیان می‌کند که دنیایی برعکس دیده‌است، یعنی کسانی که در این دنیا دارای ثروت و قدرت بودند در آن دنیا جایگاه پست داشتند و برعکس (تلمود، ۱۹۱۸: ۸۲/۵). همچنین در تورات بیان شده که حضرت الیاس (ع) پسر زنی را که به او پناه داده بود به طرز معجزه‌آسایی زنده می‌کند. بعلاوه درباره شاگرد حضرت الیاس (ع) یعنی یسع پیامبر (ع) نیز آمده است که ایشان هم پسری را که فوت کرده بود، زنده نمود (عهد عتیق، اول پادشاهان، ۱۷: ۸-۲۴). روایتی نیز در منابع شیعه وجود دارد که مؤیدی بر امکان بازگشت روح به بدن فردی از اهل شام با دعای امام باقر (ع) است (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۱۱).

چنین شواهدی تبیین مادی‌انگارانه را رد کرده و نشان می‌دهد که وجودی فرامادی یا همان روح آدمی این تجارب را درک کرده است (موسوی‌راد، ۱۴۰۱: ۴۹۲) اما فراتر از آن؛ جدول شماره یک و امثال آن بیانگر آن است که ائمه (ع) در عالمی که افراد پس از خروج روح از کالبد به آنجا سفر کرده‌اند نیز کارساز بوده‌اند و چنین امری تصادفی نتواند بود؛ چراکه افراد دیگر از جمله پادشاهان، دانشمندان معروف در عالم پس از مرگ چنین محوریته‌ی ندارند، بلکه کارگشایی توسط همان نسلی واقع شده است که به عدد نقبای بنی‌اسرائیل هستند و فضایل گوناگون در سلسله پیاپی ایشان به نحو شگفت‌انگیز و بدون وقفه‌ای چگالیده شده است. قرآن با اعجاز ادبی بر نخستین ایشان در حین امّی بودن نازل شده و دوازدهمین آن‌ها آن‌چنان که از قبل وعده داده شده بود غایب شده است و این در حالی بوده است که در همه این سال‌ها تمهیدگران فراوان بوده‌اند ولی هیچ‌یک نتوانستند شرایط لازم برای مهدویت را آماده کنند.

همانطور که پیش‌تر آمد، شهید مطهری تجربیات فرامادی انسان‌ها و حتی افراد غیرمسلمان را پایه‌ای برای اثبات وجود عالم غیب و ماوراءالطبیعه و سپس آن را راهی برای باورپذیر ساختن نزول وحی بر پیامبران و اثبات نبوت قرارداد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹: ۱۰-۲۹۰). استدلال او نیز با استفاده از تکرر مشاهدات و تواتر آن‌ها به اثبات وجود عالم غیب منتج می‌شود ولی بحثی از حکمرانان عالم غیب به میان نیآورده و وجود این حکمرانان نیز از آن قابل برداشت نیست، در پژوهش حاضر به این بُعد پرداخته و چنین دریافت شده که این تنوع مشاهده‌گران و تکرر مشاهدات در همان نسل بلافصل، دلیل بر وجود چگالشی دیگر در آنان خواهد بود.

بدین ترتیب چگالش خوارق عادت در این نسل شکوهمند و تواتر شواهد و مستندات در این حوزه، همچون چگالش

فضایل انسانی در ایشان به اذعان معظمی از بزرگان اهل سنت که پیش‌تر توسط رفعت و رهبر (۱۳۹۹) صورت‌بندی شده بود، هردو مرتفع‌کننده شبهات مربوط به تطور تاریخی شکل‌گیری عقاید شیعه همچون عصمت و صفات خارق‌العاده هستند و نه تنها پرداختن به آن‌ها نقطه نقد برانگیزی برای شیعه نیست بلکه یک حجت استقرایی برای اثبات حقانیت اسلام ناب است. طبیعی است که نوشتار کنونی مُنکر وجود پدیده شفا برای پیروان سایر مکاتب نیز بلکه تواتر و تکرار وقوع این پدیده کمیاب در اعضای این خانواده را اعجاز‌انگیز و منشأ اثر در علم کلام می‌داند.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تطور تاریخی شکل‌گیری عقاید شیعه یکی از شبهات خاورشناسان به پیروان مذهب امامیه است که بیانگر عدم اصالت، عدم سابقه و قدمت فرقه اثنی‌عشری و پیدایش آن در نیمه قرن چهارم هجری است. وجود صفات فوق بشری در ائمه (ع) (همچون عصمت، شفاعت، علم غیب)، مهدویت و خاستگاه آن نیز از دیگر مسائلی است که مستشرقان بدان اشکال گرفته و با تکیه بر این شبهات، مشروعیت و خاستگاه مکتب امامیه را محل نقد می‌دانند. پژوهش‌های نامبرده در پیشینه تحقیق به همراه سایر پژوهش‌هایی از این دست، باهدف تبیین و پاسخگویی بدین شبهات نگارش یافته که به نظر می‌رسد برای پاسخگویی به این شبهات امکانات و اطلاعات جدیدی لازم است. به بیانی دیگر مستشکل چنین اظهار می‌دارد که اعتقاد شیعه، سخنانی اسطوره‌ای بوده و با سنت تاریخی سازگاری ندارد که یک نسل چهارده‌گانه دارای چنین خصوصیتی باشند؛ ولی دستاوردهای پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

۱. شکل‌گیری یک نسل چهارده‌گانه دارای فضایل والا و خاص در طول تاریخ، خرق عادت بوده و بیانگر یکی از صفات فوق بشری برای این نسل شکوهمند است؛ بنابراین پذیرفتن صفات فوق بشری دیگر همچون عصمت، علم غیب، شفاعت و... برای آنان استبعادی ندارد.

۲. مفهوم شیعه اثنی‌عشری جعل علمای شیعه نیست؛ زیرا علاوه بر تصریح پیامبر (ص) به تعداد ائمه پس از خود که به عدد نقبای بنی اسرائیل و دوازده نفر اعلام شده است، در طول تاریخ افراد صاحب فضیلت دیگری وجود داشته‌اند که فرزندان و گاهی نوادگان آنان نیز مظهر همان فضایل بوده‌اند؛ ولی تاریخ هیچ نمونه‌ای از استمرار این فضایل در یک نسل چهارده‌گانه سراغ ندارد. به همین جهت، چگالش اعجازگونه فضایل تنها در این نسل چهارده‌گانه، خود قرینه‌ای بر روایاتی است که ائمه (ع) را دوازده امام دانسته‌اند.

۳. با در نظر گرفتن قیام‌هایی که پس از نبی اکرم (ص) توسط مدعیان مهدویت شکل گرفته و قرارداد آن در کنار تصریح پیامبر (ص) به ظهور فردی از نسل دوازدهم خود به نام مهدی، بحث از مهدویت را به گونه آسان‌تر می‌توان اثبات نمود؛ زیرا هیچ فردی نمی‌تواند تا چندین نسل پس از خود را پیش‌بینی نماید.

۴. تنوع مشاهده‌گران و تکرار مشاهدات در این نسل بلافصل، دلیل بر وجود چگالشی دیگر در آنان خواهد بود. تعداد معتنابهی از تجارب نزدیک به مرگ و مکاشفات حاصل از خروج روح از بدن نشان می‌دهد که آن‌سوی این جهان مادی نیز امور در اختیار همین نسل دوازده‌گانه‌ای است که در زمان حیات خود در این جهان، در اوج شجاعت، علم و فضایل اخلاقی بوده‌اند. این نسل دوازده‌گانه در موارد عینی و دسترس‌پذیری که قابل تحقیق است، خارق‌العاده بوده‌اند. این خارق‌العادگی سبب باورپذیری این مسئله خواهد شد که ائمه (ع) در سایر شئون نیز این‌گونه باشند.

۵. ابراهیم (ع) با آنکه مؤمن به رستاخیز بود برای اطمینان قلبی بیشتر از خدا خواست چگونگی زنده شدن مردگان را به او بنماید، سپس آزمایشی که به آن امر شده بود را انجام داد و نتیجه موعود ظاهر شد و اطمینان قلبی یافت. امروز گسترش فناوری اطلاعات و فناوری پزشکی به یاری خداپاوران آمده است تا تجربه ابراهیمی را بازآفرینی کنند. ایشان از قبل برای تحکیم باورهایشان استدلال‌هایی از جنس قیاس (همچون برهان علیت، برهان نظم و...) در اختیار داشته‌اند ولی هم‌اکنون به کمک فناوری توانسته‌اند انبوهی از مشاهدات جزئی را گردآوری کنند و با رویکردی استقرایی-آماری از آن‌ها استنتاج کلی نمایند.

از دیگر سو ملاحظاتی هم وجود دارد به اشاره به آن‌ها ضروری است؛

۱. باینکه تعداد مشاهدات مرتبط با تجارب نزدیک به مرگ که در این تحقیق منعکس شده بالاست ولی برای افزایش معناداری آماری همچنان نیازمند تکمیل است. همچنین نیازمند بررسی تجارب نزدیک به مرگ در سایر مذاهب و فرهنگ‌ها هستیم و نیز شایسته است که در شخص پژوهشگر و رسانه نیز تکثرگرا باشیم تا اتکا بر یک برنامه تلویزیونی خاص در سیمای جمهوری اسلامی ایران نباشد و برای این منظور باید از پژوهشگران مستقل در دانشگاه‌ها حمایت کرد تا به تحقیق در این حوزه روی آورند.

۲. توجه به این نکته ضروری است که هر فردی از جهاتی با افراد دیگر شبیه و از جهاتی مثل نیت و شرایط با آنان متفاوت و منحصر به فرد است، این منحصر به فرد بودن و تفاوت افراد سبب می‌شود تا مخلوقی که در برزخ خلق می‌کنند از جهاتی باهم متفاوت باشد، زیرا این مخلوق حاصل اعمال آنان است. لذا وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که افراد تجربه‌گر از بهشت و جهنم دیده‌اند به همین دلیل است.

۳. در پاسخ به این سؤال که آیا پرداختن به موضوع مسئله این پژوهش رؤیایپردازی نیست باید گفت درک اجمالی نسبت به جهان پس از مرگ توسط تجربه رؤیا برای همه افراد امکان‌پذیر است. در روایاتی نیز پیامبر (ص) از اصحاب خود در خصوص مبشرات و رؤیاهای صادقانه سؤال نموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۰/۸) لکن باید توجه داشت که در برخی روایات از بازگونموندن این رؤیاهای همه افراد و استفاده در راستای کرامت‌تراشی برای خود منع شده است. بعلاوه دیدن رؤیای صادقانه و یا رخداد تجربیات نزدیک به مرگ برای فرد تجربه‌گر یقین‌آور است.

۴. هر عمل خارق‌العاده‌ای راهم نمی‌توان منشأ هدایت دانست؛ همچون ماجرای گوساله سامری که خاک پای امین را در یک گوساله‌ای وارد می‌کند که سبب گمراهی مردم می‌شود. لکن از آنجاکه نوعی تواتر خرق عادات متراکم‌شده در این نسل بلافصل ملاحظه می‌شود که در تمام افراد این خاندان وجود داشته‌است، ادعای وقوع اعجاز در این فقره پذیرفتنی است. بدیهی است که این استدلال استقرایی را باید در کنار انبوه استدلال‌های قیاسی بر حقانیت اسلام قرار داد و در کنار هم فهم نمود.

۵. بزرگان شیعه در این سال‌ها فناوری‌های نرم و اجتماعی را توسعه داده‌اند و به کمک آن محبت مردم به ائمه (ع) را به ایجاد حرکت‌های اجتماعی نافع گره زده‌اند؛ بسیج مردمی در جنگ تحمیلی با عراق، بسیج داوطلبان مردمی عراق برای مقابله با داعش، پیاده‌روی میلیونی اربعین و مواسات اجتماعی در زمان کرونا و بلایای طبیعی نمونه‌هایی از این‌گنش‌هاست. وجود چگالش فضایل در اهل بیت (ع) و نیز وجود چگالش در شفاذهی و دیگر امور خارق‌العاده‌ای که بشر هنوز باگذشت چهارده قرن از ائمه (ع) مشاهده می‌کند، سبب تعمیق باور و یقین شیعیان شده است و افزایش این یقین موجب مؤثرتر شدن و فراگیر شدن فناوری‌های اجتماعی مورد اشاره است. یقین به وجود پروردگار و روز معاد، دنیا را در

نظر اهل یقین کوچک کرده و آن را تنها گذرگاهی می‌یابند که باید از آن سبک‌بار و راحت عبور کرد، به همین جهت رغبت و دل‌بستگی به زخارف دنیوی نداشته و فداکارانه‌تر در عرصه اجتماع ظهور می‌یابند و تعارض‌ها و رقابت‌های مخرب را به همکاری‌های مؤثر بدل می‌نمایند؛ بنابراین ارائه منظم و منقح نظریه چگالش فضایل و خوارق عادت در معصومان می‌تواند منتج به افزایش اخلاص در بین مؤمنان شود.

۷. منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد. المسند، بیروت: دار صادر، ۱۳۶۸ ق.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی. الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن طقطقی، محمد بن علی. الفخری، تحقیق: عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دار القلم العربی، ۱۴۱۸ ق.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن. تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل. البدایة والنهایة، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۲۲ ق.
۷. اتان کلببرگ (ترجمه محسن الویری). «از امامیه تا اثنی عشریه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲، ۱۳۷۴ ش.
۸. احمدی ندوشن، محمدرضا؛ زمانی، محمد حسن. «بررسی انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره سیره حکومتی امام حسن (ع)»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ش ۴، ۱۳۹۴ ش.
۹. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. مقاتل الطالبیین، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
۱۰. اعتمادی نیا، مجتبی. زندگی در کرانه ها، بی جا، حکمت سینا، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. اعتمادی نیا، مجتبی؛ رضانیا، حمید. «تجربه های نزدیک به مرگ بررسی چستی ونحوه دلالت آن در اثبات حیات پس از مرگ»، پژوهش های ادیان، ش ۳، صص ۸۹-۱۰۸، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. آکوچکیان، عبدالحمید؛ ساعی، محبوبه؛ قاسمیان نژاد جهرمی، علی نقی. «تجربه های نزدیک به مرگ: دلیلی تجربی بر ادامه حیات پس از مرگ»، فلسفه و کلام (حکمت و فلسفه)، ۴(۹)، ۱۳۹۲ ش.
۱۳. الویری، محسن. «نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشری»، فصلنامه دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۲، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. _____ «گونه شناسی انتقادی دیدگاه ها درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، فصلنامه تاریخ و فرهنگ اسلامی، ش ۸، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. ایروین، هاروی. جی. مقدمه ای بر فراروانشناسی، ترجمه: احمد جلالی، تهران: پادرا، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. ایگناس گلدزیهر. العقیده و الشریعة فی الإسلام، ترجمه: محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر و عبدالعزیز عبدالحق، قاهره: المركز القومي، ۲۰۱۳ م.
۱۷. ایگناس گلدزیهر. درس هایی درباره اسلام، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: انتشارات کمانگیر، ۱۳۵۷ ش.
۱۸. بتی جین ایدی. در آغوش نور، ترجمه: فریده مهدوی دامغانی، بی جا، ذهن آویز، ۱۴۰۱ ش.
۱۹. تمیمی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، بی جا: دارالمأمون، بی تا.
۲۰. جاحظ، عمرو بن بحر، الرسائل السیاسیة، بیروت: دارالمکتبه هلال، ۱۴۲۳ ق.
۲۱. جفری لانگ. شواهد تجربی حیات پس از مرگ، ترجمه: علی نقی قاسمیان نژاد و محمد باقر کجفاف، اصفهان،

- انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۴ ش.
۲۲. حسن پور، سید عبدالکریم؛ بارانی، محمدرضا. «بررسی تحلیلی روش خاورشناسان در تبیین جایگاه سیاسی و دینی امام محمدباقر (ع)»، شیعه پژوهی، ش ۵، ۱۳۹۴ ش.
۲۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران: صهبا، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. حسینی میلانی، علی. *شرح منهاج الكرامة فی معرفة الامامة*، قم: دارالهجره، ۱۴۱۸ ق.
۲۵. حکیم، محمدتقی. *السنة فی الشریعة الاسلامیة*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. دارمستتر. *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم*، ترجمه: محسن جهان‌سوز، تهران: کتابفروشی ادب، ۱۳۱۷ ش.
۲۷. دستغیب، عبدالحسین. *داستان‌های شگفت*، تهران: صبا، ۱۳۶۲ ش.
۲۸. دونالدسن، دوایت. *عقیده الشیعه*، مصر: مکتبه الخانجی، ۱۳۶۵ ق.
۲۹. رجی، محمد؛ حاجی‌زاده، یدالله. *غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم (ع) با ایشان*، قم: معارف، ۱۳۹۴ ش.
۳۰. رحیمی، عبدالرفیع. «آموزه‌های تشیع در منظومه فکری گلدزبهر»، پژوهش‌های علم و دین، ش ۱، ۱۳۹۸ ش.
۳۱. رشید، عبدالله بن عبدالرحمن بن صالح. *عاشوراء عند الإمامیه الاثنی عشریه و آثارها عرض و نقد*، ریاض: جامعه ام‌القری، ۱۴۳۲ ق.
۳۲. رضایی‌هفتاد، حسن؛ برخوردار، علی؛ سروی، فاطمه. «نقد آراء خاورشناسان درباره عصمت پیامبر (ص)»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ش ۳۷، ۱۳۹۳ ش.
۳۳. رضی‌بها بادی، بی‌بی‌سادات؛ جواندل، نرجس. «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایره‌المعارف لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ش ۴۸، ۱۳۹۳ ش.
۳۴. رفعت، محسن؛ رهبر، امیرحسین. «صورت‌بندی استدلالی جدید در حقانیت اسلام؛ تبیین نظریه چگالش فضایل در نسل بلافضل»، *الهیات تطبیقی*، ش ۲۴، ص ۱۵-۴۰، ۱۳۹۹ ش.
۳۵. ساعی، محبوبه؛ قاسمیان‌نژاد، علی‌نقی. «بررسی چيستی تجربه نزدیک به مرگ و نقد دیدگاه‌های متناظر با آن»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳۸، ۱۳۹۳ ش.
۳۶. سلیمانی‌امیری، جواد. «بازشناسی تاریخ آغاز پرداخت و دریافت خمس؛ بررسی انتقادی دیدگاه بازتاب یافته در کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، *تاریخ اسلام*، ش ۷۸، ۱۳۹۸ ش.
۳۷. سهروردی، شهاب‌الدین. *المشارع و المطارحات*، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۳۸. _____ . *الحکمة الإشرافیة*، مصحح: محمد (جلال‌الدین) ملکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳ ش.
۳۹. سهیلی، حمیدرضا. *بوی بهشت داستان‌هایی از شفا یافتگان حرم امام رضا (ع)*، مشهد: آستان قدس رضوی، به نشر، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. صدوق، محمدبن‌علی. *عیون اخبار الرضا*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴۱. صفری‌فروشانی، نعمت‌الله؛ اخلاقی، معصومه. «نقد و بررسی زندگی امام حسن (ع) از دیدگاه دونالدسن»، *طلوع نور*، ش ۳۹، ۱۳۹۱ ش.

۴۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین. شیعه در اسلام، مقدمه: سیدحسین نصر، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۴۳. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد. المعجم الأوسط، تحقیق: قسم التحقیق بدارالحرمین، ابومعاذ طارق بن عوض-الله: دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
۴۴. طوسی، محمدبن حسن. الغیبة، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۴۵. طوسی، محمدبن حسن. الامالی، تحقیق: موسسه البعثه، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. عبدالمحمدی، حسین؛ رحیمی، اسدالله. «بررسی و نقد مبانی قرآنی، حدیثی و کلامی کتاب مکتب در فرآیند تکامل درباره علم غیب امامان»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۸۸، ۱۴۰۰ ش.
۴۷. علاءالمحدثین، جواد. «نقدی بر فرضیه تطور امامت شیعی»، فصلنامه امامت پژوهی، ش ۸، ۱۳۹۱ ش.
۴۸. عهدعتیق، نوئیم (اول پادشاهان): ۱۷.
۴۹. فاروق، عمر، بحوث فی التاریخ العباسی، بیروت: دارالقلم، ۱۳۵۵ ق.
۵۰. فان فلوتن. تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، سیدمرتضی هاشمی حائری، چاپ تهران، بی جا، بی تا.
۵۱. فقهی زاده، عبدالهادی؛ امیری، محمدمقداد. «تحلیل انتقادی دیدگاه مدرسی طباطبایی در کتاب مکتب در فرآیند تکامل در مورد احادیث شیعی»، پژوهش های قرآن و حدیث، ش ۱، ۱۳۹۴ ش.
۵۲. فقهی زاده، عبدالهادی؛ صادقی، سیدجعفر. «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، مشرق موعود، ش ۲۹، صص ۱۳۵-۱۶۴، ۱۳۹۳ ش.
۵۳. فیروزی، لیلیا؛ آذیر، اسدالله؛ بختیاری، فاطمه. «تبیین تجربه های نزدیک به مرگ بر اساس نظریه عالم مثال سهروردی»، فلسفه دین، ش ۱۹، صص ۲۶۷-۲۹۲، ۱۴۰۱ ش.
۵۴. قربانی مبین، حمیدرضا و خسروپناه، عبدالحسین. «نقد روش شناسی نظریه علمای ابرار با تأکید بر کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، اندیشه نوین دینی، ش ۳۲، ۱۳۹۲ ش.
۵۵. _____ . «نقد روش شناسی تاریخ تفکر تشیع در کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲، ۱۳۹۵ ش.
۵۶. قلقشندی، احمدبن علی. مآثر الإنافة فی معالم الخلافة، تحقیق: عالم الکتب، بی جا، بی تا.
۵۷. کاظم خانلو، ناصر؛ آزادی، علی. «تحلیل عرفانی کشف و شهود در فلسفه سهروردی»، عرفان اسلامی، ش ۵۳، صص ۲۹۵-۲۸۵، ۱۳۹۶ ش.
۵۸. کثیری، منصور؛ فاریاب، محمدحسین. «نقش و جایگاه تجربیات نزدیک به مرگ در اثبات وجود روح»، معرفت، ش ۲۹۶، صص ۷۰-۵۹، ۱۴۰۱ ش.
۵۹. کشی، محمدبن عمر. رجال الکشی، تحقیق: شیخ طوسی، حسن مصطفوی، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۶۰. کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۶۱. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی. سه دقیقه در قیامت، تهران: موسسه شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۹ ش.
۶۲. لیثی واسطی، علی. عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۶۳. متقی هندی، علاءالدین علی. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: بکری حیانی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.

۶۴. مدرسی طباطبایی، حسین. مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر، ۱۳۹۴ ش.
۶۵. مرتضی‌عاملی، جعفر. *زواج المتمعنه*، بیروت: دارالسیره، ۱۴۲۲ ق.
۶۶. _____ . *الصحيح من سيره النبي الأعظم (ص)*، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۵ ق.
۶۷. مسعودی، علی بن حسین. *التنبيه والاشراف*، تصحیح: عبدالله اسماعیل صاوی، القاهره: دارالصاوی، بی تا.
۶۸. مطهری، مرتضی. *وحی و نبوت*، تهران: صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۶۹. _____ . *قیام و انقلاب مهدی (عج)*، تهران: صدرا، چاپ ۶، ۱۳۹۸ ق.
۷۰. مغنیه، محمدجواد. *الشیعه فی المیزان*، بیروت: دارالتعارف، ۱۳۹۹ ق.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر. *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۷۲. ملکی، محمد. «تعامل عقل و شهود در شکل‌گیری فلسفه اشراق»، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ش ۱، ص ۲۹-۵۵، ۱۴۰۱ ش.
۷۳. منتظری، حسینعلی. *نظام الحکم فی الاسلام*، بی جا، بی تا، ۱۳۸۰ ش.
۷۴. مودی، ریموند، *زندگی پس از زندگی*. ترجمه: شهناز انوشیروانی، تهران: رسا، ۱۳۷۳ ش.
۷۵. _____ . ترجمه: شهناز انوشیروانی، تهران: رسا، ۱۳۷۷ ش.
۷۶. موزون، عباس، (کارگردان). *زندگی پس از زندگی* (تجربه ایمان عبدالملکی)، شبکه ۴، (چهارم و پنجم اردیبهشت ۱۴۰۰ ش).
۷۷. _____ . *زندگی پس از زندگی* (تجربه بهروز عظیمی)، شبکه ۴، (چهارده اردیبهشت ۱۴۰۰ ش).
۷۸. _____ . *زندگی پس از زندگی* (تجربه مهدی اسفندیاری)، شبکه ۴، (هفده اردیبهشت ۱۴۰۰ ش).
۷۹. _____ . *زندگی پس از زندگی* (تجربه طیب پیشدادی)، شبکه ۴، (بیست و پنج اسفند ۱۴۰۲ ش).
۸۰. موسوی، سیده‌منا. «از غلو تا تقصیر تأملی بر کتاب مکتب در فرآیند تکامل»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۷۱، ص ۱۷۳-۱۹۶، ۱۳۹۶ ش.
۸۱. موسوی‌گیلانی، سیدرضی. «*مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان غربی*، قم: بنیاد فرهنگی موعود»، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ ش.
۸۲. موسوی‌راد، سیدجابر. «بررسی میزان اعتبار تجارب نزدیک به مرگ»، *فلسفه دین*، ش ۱۹، صص ۴۹۰-۵۰۰، ۱۴۰۱ ش.
۸۳. نیشابوری، حاکم. *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: یوسف مرعشلی، بی جا، بی تا.
۸۴. وحیدخراسانی، حسین. *منهاج الصالحین*، بی جا، بی تا، بی تا.
۸۵. هیثمی، ابن حجر. *حواشی الشروانی*، بیروت: دارصادر، بی تا.
۸۶. هیثمی، نورالدین علی. *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۸۷. یزدی حائری، علی. *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*، تحقیق: علی عاشور، بی جا، بی تا.